

شبهه

تبیین منصفانه، مقنعانه و همدلانه

◇ الگویی برای زن و زندگی
◇ تبدیل تهدید به فرصت
◇ مواجهه با جریان خلافت
◇ اندکی از خدمات بی شمار!
◇ به مخاطب احترام بگذاریم
◇ تبشیری‌ها به چه می‌اندیشند؟
◇ درباره ایران، اسلام، ناسیونالیسم
◇ علامه بود، یک تنه عزم مصاف کرد
◇ حجاب اجباری، مانند بی‌حجابی اجباری!

شبهه شناسی گفتمان سازی و پاسخ گویی

ماهانمه ویسره بوش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه)
شماره هفتم / دی ماه ۱۴۰۱

۷

ارائه اخلاق و آداب
پاسخ گویی، برای
حضور در مصاف تبیین،
لازم است. ما باید به عنوان دین و
تربیت یافتگان دین و حوزه، منظومه
اخلاقی و رفتاری و تعاملی را در مواجهه با
شبهه و تبیین در عرصه‌های مختلف، بیاموزیم.
لذا ارائه نظام اخلاقی در این عرصه، مهم است. باید
تبیین ما منصفانه، مقنعانه و همدلانه باشد. نقدهای
درست اگر وجود دارد، آن را بپذیریم و از دروغ و تهمت و استهزا پرهیز کنیم.
آیت الله علی رضا اعرافی



شبهه روز

اندکی از خدمات بی شمار!

از خارجه وارد کرده، زمینه را برای علنی شدن کشف حجاب، فراهم آورد. در سال ۱۳۱۴، وزیرایش را ملزم کرد یک روز در هفته به همراه همسران مکشفته، در مهمانی‌های مختلط حاضر شوند. با آغاز سال تحصیلی جدید نیز حجاب را در مدارس، ممنوع کرد. آن گاه از هفدهم دی ماه ۱۳۱۴، قانون کشف حجاب را صادر کرد و تنها به زنان بدکاره اجازه داد حجاب اسلامی داشته باشند!

می‌دانید اصلاحات رضاشاه در آموزش و پرورش، قوه قضائیه، محاکم و... به محدودیت روحانیت در جامعه دامن زد؟
می‌دانید ممنوعیت برگزاری مراسم مذهبی و مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام را رضاشاه در این مملکت پایه‌گذاری کرد؟

می‌دانید در این دوره، روحانیون باید برای پوشیدن عبا و عمامه، از مقامات دولتی اجازه می‌گرفتند؟
آیا از دیگر اقدامات ضد مذهبی و ضد فرهنگی رضاشاه خبر دارید؟ ملی‌گرایی افراطی با هدف به حاشیه راندن اسلام، تقلید از غرب و ترویج تفکر جدایی دین از سیاست، تلاش در جهت تغییر الفبای فارسی به لاتین، کنار گذاردن قوانین اسلامی به وسیله قوانین غربی، برپایی کارناوال‌های شادی در روز عاشورا و تخریب مدارس و حوزه‌های علمیه! اینها را گفتم که وقتی عده‌ای از رضاشاه یاد کرده، به روح پرفتوح! او درود می‌فرستند، شما نیز از خدمات بی‌شمار وی، یاد کنید.

بیخشیید! تنها به زنان بدکاره اجازه می‌داد حجاب اسلامی داشته باشند؟

یک جمله هم به وضع اقتصادی و سیاسی مملکت اشاره شود، بهتر است.

□ حسین سروقامت

پی‌نوشت:

۱. کلاه مردانه استوانه‌ای شکل.
۲. نوعی روبند و نقاب زنانه.
۳. پارچه‌ای که زنان در بیرون خانه، بر روی خود می‌اندازند.

می‌دانید
رضاشاه روند
کشف حجاب را در
ایران سنتی، چگونه اجرا کرد؟
نخست تنفرش را از پیچه و روبند اظهار
کرد. سپس به زنان اجازه داد بدون حجاب در
انظار عمومی، ظاهر شوند. آن گاه ملکه را که گاه
بدون حجاب، بین مردم آورد. در سال ۱۳۱۲، به
تیمورتاش فرمان داد کلاه زنانه از خارجه
وارد کرده، زمینه را برای علنی
شدن کشف حجاب،
فراهم آورد

عهده داشت. در این سفر، او به دیدار زنانی رفت که بی حجاب در کارخانه‌های ترکیه کار می‌کردند؛ اتفاقی که جرعه کشف حجاب را در ذهن بیمار شاه ایران به وجود آورد.

می‌دانید رضاشاه پس از این سفر و دیدن تحولات ترکیه، در سخنرانی خویش چه گفت؟ سخنانی که حکایت از شیفتگی وی نسبت به فرهنگ ضد اسلامی ترک‌ها دارد:

«ما رفته بودیم با یک مردم بسیار بزرگ [دیدار کنیم]. ما باید ملت خود را همان طور به درجه رشد و ترقی برسانیم که [ترکیه] ملت خود را رسانیده بود. من تصور نمی‌کردم ترک‌ها تا این حد ترقی کرده، در اخذ تمدن اروپا، جلو رفته باشند. حال می‌بینم که ما خیلی عقب هستیم؛ مخصوصاً در تربیت دختران و بانوان و فوراً باید برای پیشرفت سریع زنان، اقدام کنیم.»

می‌دانید وی روند کشف حجاب را در ایران سنتی، چگونه اجرا کرد؟ نخست تنفرش را از پیچه^۲ و روبند^۳ اظهار کرد. سپس به زنان اجازه داد بدون حجاب در انظار عمومی، ظاهر شوند. آن گاه ملکه را که گاه بدون حجاب، بین مردم آورد. در سال ۱۳۱۲، به تیمورتاش فرمان داد کلاه زنانه

عادت کردیم زور بالا سرمون باشه... ما نشون دادیم این مملکت، همیشه به رضا شاه لازم داره!
واقعاً که! شنیدی می‌گن فحطی نون شده بود، شاطری رو که آرد دولتی می‌گرفت و احتکار می‌کرد، با کله انداخت توی تنور؟
این جمله دوم، از موافق است یا مخالف؟ بند بعدی، باید قاعدتاً طرف بگوید: به هر حال کار باید قانونی باشد...

قانون چیه خدا پدر بیامرز! به رضاشاه به تنهایی کار صد تا قانون رو می‌کنه!

بله؛ این حرف‌ها را اغلب گفته و شنیده‌اید... حرف‌های بی‌اساس؛ شایعات زرد؛ اما چقدر آمار درست داده‌اند و چقدر حرف حسابی شنیده‌اید؟
می‌دانید در سال ۱۳۰۷، مردان را از پوشیدن لباس رایجشان یعنی دستار و فینه^۱ منع کرد و کلاه پهلوی را کلاه رسمی مردان ایرانی اعلام کرد؟

می‌دانید در دی ماه همان سال، قانون «متحدالشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخله مملکت» را مصوب کرد و مقرر نمود مردم از نوروز سال ۱۳۰۸، کت و شلوار اروپایی و کلاه پهلوی بر تن کنند؟

می‌دانید هنوز پنج سال از این قانون نگذشته بود که حکم کرد در روز گشایش مجلس دهم، همه مردان، کلاه شاپو - که نمادی از پوشش اروپاییان بود - بر سر نهند؟

می‌دانید وقتی روحانیون علیه این فرمان در حرم امام رضا علیه السلام تحصن کردند، پاسخ تحصن آنان را با گلوله‌های سربی داد و واقعه خون‌بار گوهرشاد را به وجود آورد؟

می‌دانید تنها دو ماه پس از واقعه گوهرشاد، با وجود حساسیت دینی مردم، تقویم قمری را منسوخ و تقویم شمسی را به عنوان گاه‌شمار رسمی مملکت، جایگزین کرد؟

بگذریم؛ تنها سفر خارجی رضاشاه در سال ۱۳۱۳ به ترکیه بود. میزبانی وی را در این سفر، «مصطفی کمال آتاتورک»، نخستین رئیس جمهور ترکیه به



شبهه پژوهی

مواجهه با جریان خلافت

چرا حضرت فاطمه علیها السلام از خلفا راضی نبود و با آنان مقابله نمود؟

شد که یهودیان فدک، مثل خیبر و دیگر مناطق، در سرزمینشان بمانند و سالانه، نیمی از محصولشان را به مدینه بفرستند. فدک، چون به صلح فتح شده بود، بر طبق قرآن، «فیء» محسوب می شد و به رسول خدا تعلق داشت. بعد از غزوه خیبر، آیه «آت ذا القربی حقه» نازل شد و فدک، توسط پیامبر، به فاطمه علیها السلام واگذار شد.

از سال هفتم تا دهم، فاطمه علیها السلام اختیاردار فدک بود. طبق نقل ابن ابی الحدید، ده روز بعد از رحلت پیامبر، ابوبکر، کارگزاران فاطمه علیها السلام را از فدک اخراج کرد و بعد از آن، آن حضرت برای دادخواهی، نزد ابوبکر رفت. امام کاظم علیها السلام می فرماید: فاطمه نزد ابوبکر علیها السلام و او از فاطمه، شاهد خواست! امیرالمؤمنین رفت و شهادت داد؛ ام ایمن و حسنین نیز رفتند.

گاهی یک شبهه مطرح می شود که چرا بقیه صحابه برای شهادت نرفتند؟ مسئله خیلی روشن است. با نزول آیه، فدک به فاطمه علیها السلام عطا شده بود و دیگر شهادی لازم نداشت. ضمن اینکه ام ایمن که همه می دانستند پیامبر، وعده بهشتی بودن او را داده بود و حسنین علیهم السلام که جزء آیه تطهیر هستند، شهادت دادند. همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام که نفس پیامبر است، شهادت داد. در حالی که یکی از اینها برای شهادت، کافی بود. در واقع، اصلاً شهادت لازم نبود؛ زیرا بر طبق مبانی قضایی شیعه و اهل سنت، فاطمه علیها السلام، ذوالبند بود و از ذوالبند یتیمه نمی خواهند. این مدعی است که باید یتیمه بیاورد. در نتیجه، ابوبکر ناچار شد سند فدک را برای فاطمه علیها السلام بنویسد. وقتی حضرت از نزد ابوبکر خارج شد، با عمر مواجه گردید. عمر، آن را طلب کرد؛ اما حضرت در ابتدا ابا کرد که آن ورقه را به عمر بدهد؛ اما او آن را از فاطمه علیها السلام گرفت و نگاه کرد دید که ابوبکر چه نوشته و آن را با آب دهان، پاک کرد و سند را پاره نمود.

□ محمد رضا جباری

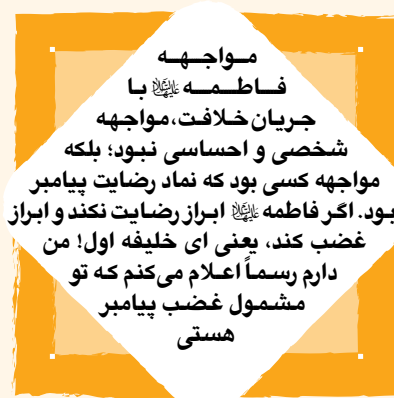
به امر الهی صورت گرفته، جایگاه بالایی بود. نکته دیگر، روایت کتاب کافی در اواخر جلد اول، «باب الفی و الانفال» است. روزی در مجلسی که مهدی عباسی به مظالم رسیدگی می کرد، امام کاظم علیها السلام هم حضور داشت و فرمود: چرا مال به ظلم اخذ شده از ما، برگردانده نمی شود؟ مهدی عباسی سوال کرد: یعنی چه؟ مگر چه ظلمی در حق شما شده است؟ حضرت فرمود: غصب فدک. مهدی گفت: قصه فدک چیست؟ امام هم جریان فدک را از ابتدا، بیان فرمود. سپس مهدی عباسی گفت: حدود فدک را مشخص کنید تا ما آن را بدهیم. امام هم منطقی ای بزرگ را به عنوان حدود فدک نام برد که در واقع، حدود مملکت اسلامی در زمان بنی عباس بود! فدک، یکی از سرزمین هایی بود که یهودیان در آن ساکن بودند. یهودیان پس از ورود به جزیره العرب، در مناطقی ساکن شدند. آنان در انتظار پیامبر موعود بودند. برخی از آنها در فدک ساکن شدند و بعضی به یثرب رفتند. در سال هفتم که جنگ خیبر رخ داد و پیامبر اکرم پیروز شد، قلعه خیبر، فتح شد. مردم ساکن فدک با خود گفتند: وقتی اینها حریف

یکی از علل نارضایتی حضرت زهرا علیها السلام از خلفا، غصب فدک بود. مسئله فدک، یک مسئله شخصی نبود؛ زیرا پیامبر، جایگاه امامت را از جانب خداوند برای امیرمؤمنان علیه السلام در نظر گرفته بود؛ طبیعتاً امام مانند پیامبر، برای انجام تکالیفی که بر دوشش هست، نیاز دارد که دستش از لحاظ اقتصادی، باز باشد. آن مسئله خمس یا فیء که سهم پیامبر قرار داده شده و باید در اختیار پیامبر باشد، برای این است که یک رهبر، نیاز دارد که از لحاظ اقتصادی، بسط ید داشته باشد؛ لذا غصب فدک، یک امر شخصی نبود و غاصبان نیز این را می دانستند.

مواجهه فاطمه علیها السلام با جریان خلافت، مواجهه شخصی و احساسی نبود؛ بلکه مواجهه کسی بود که نماد رضایت پیامبر بود. اگر فاطمه علیها السلام ابراز رضایت نکند و ابراز غضب کند، یعنی ای خلیفه اول! من دارم رسماً اعلام می کنم که تو مشمول غضب پیامبر هستی؛ اما بحث فدک، گاهی از سوی پیروان مکتب خلافت، به عنوان یک موضوع شخصی و دنیوی مطرح می شود؛ گویا باغی از کسی غصب شده و او به دادگاه مراجعه کرده تا حق خودش را مطالبه کند.

در این باره باید گفت که فاطمه و امیرمؤمنان علیهما السلام، به عنوان دو شخصیت عادی، مطرح نبودند. می دانیم که پیامبر اکرم، دختران دیگری هم داشت. هرچند آنها در هنگام رحلت ایشان، از دنیا رفته بودند، ولی اگر فرض کنیم که زینب، رقیه یا ام کلثوم زنده بودند و یا از پسران پیامبر، ابراهیم اگر زنده بود و پیامبر، زمینی به آنها می بخشید و بعد آن زمین تصرف می شد، این هم مثل غضب های دیگری که در طول تاریخ انجام گرفته، نهایتاً می گفتیم عجب کار بدی کردند؛ اما وقتی مقام و منزلت، حقوقی شد، مسئله فرق می کند. منزلت فاطمه و امیرمؤمنان علیهما السلام، با آن مواضع پیامبر، به یک جایگاه حقوقی و به تعبیری، الهی و آسمانی، تبدیل می شود.

همه مفسران شیعه و گروهی از محدثان اهل سنت، نقل کرده اند که وقتی آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» و حق خویشاوند را بده» نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله، فدک را به فاطمه علیها السلام بخشید. پس به اعتبار این که این کار،



خیبریان - با آن هفت قلعه تودرتو - شده اند، ما اهالی فدک، چه کار می خواهیم بکنیم؟ لذا تقاضای صلح کردند و قرارداد صلحی بین پیامبر اکرم و اهالی فدک توسط امیرمؤمنان علیهما السلام، نوشته شد و طبق آن، بنا

پی نوشت:

۱. اسراء، آیه ۲۶.

تبشیری‌ها به چه می‌اندیشند؟

به پروتستان‌ها می‌رسد. به عنوان نمونه، در ایران، انگلیکن‌ها فعالیت تبشیری زیادی داشتند.

۶۰۵. الگوواره تبشیر در دوره مدرن

و پست مدرن

در دوره‌های گذشته، با توجه به این که مبشران، نوعاً اروپایی بودند و خودشان را دارای فرهنگ برتر می‌دانستند، برای اینکه بخواهند مسیحیت را عرضه کنند، در قدم اول، سعی می‌کردند فرهنگ جامع هدف را تغییر بدهند؛ زیرا هرچه انسجام فرهنگی و سنتی جوامع، بیشتر بود، در برابر تبشیر، بیشتر مقاومت می‌کردند؛ حالا آن فرهنگ سنتی، ممکن بود جوامع اسلامی باشد، مثلاً شما کشور ایران را در زمان قاجار در نظر بگیرید. امروزه وقتی فیلم‌های آن زمان پخش می‌شود، می‌بینید حجابی که آنها دارند، امروزه حتی ممکن است خود جامعه ایرانی هم آن نوع حجاب را برنتابد. یعنی جامعه، انسجام فرهنگی خاص داشت و در چنین جامعه فرهنگی منسجمی، فرهنگ بیگانه، نمی‌تواند راه پیدا کند. به ویژه اگر مردم، دغدغه‌های دینی هم داشته باشند، اصلاً امکان این که بشود کیش اینها را تغییر داد، وجود ندارد. به همین خاطر، در دوره‌های گذشته، ابتدا سعی می‌کردند فرهنگ جامعه را تغییر بدهند. وقتی فرهنگ تغییر کرد و انسجام اجتماعی، دچار مشکل شد، راه برای فعالیت تبشیری، باز می‌شود. نکته دیگری که بعدها به وجود آمد، روحیه ضد استعماری و ضد غربی در کشورهای بود که به دنبال استقلال بودند. وقتی چنین روحیه‌ای در بین ملت‌ها و دولت‌های این کشورها به وجود آمد، آنها را به فکر فرو برد که چاره‌اندیشی کنند و استراتژی جدیدی را در پیش بگیرند. این بازان‌دیشی و بازان‌خوانی، منجر به شکل‌گیری جریانی شد که می‌توانیم اسم آن را «ماه غسل میسپولوژی» بگذاریم. آنها در راستای اتخاذ استراتژی جدید، به این نتیجه رسیدند که برای آن، سرفصل، رشته دانشگاهی و دیپارتمان تعریف کنند و کتاب‌ها و نشریات بسیار زیادی تولید کنند.

نکته دیگر، استفاده از ظرفیت علوم اجتماعی است؛ یعنی آنها از علوم جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، تجارت و... استفاده می‌کنند تا تبشیر آنها، بُرش و کارآمدی داشته باشد. آنها اول به تاریخ می‌پردازند و سپس به سراغ علوم اجتماعی می‌روند و از ظرفیت این علوم، استفاده می‌کنند. به همین خاطر می‌بینیم که مهم‌ترین شخصیت‌هایی که میسپولوژیست هستند - یعنی عالمان علم تبشیر هستند - تخصص خیلی از آنها، مردم‌شناسی است؛ چون واقعاً از ظرفیت این علوم، می‌خواهند استفاده کنند.

□ احمد رضا مفتاح

تبشیر، اصطلاحی است که به تبلیغ و ترویج انجیل و مسیحیت اختصاص دارد و در قرون اخیر، از نظر مفهوم و مصداق، توسعه یافته و به هر نوع خدمت یا مأموریت برای اعتلای «کلمه مسیح» در داخل یا خارج از جوامع مسیحی، اطلاق می‌شود. تبشیر، بر دو نوع است:

الف. درون دینی: یعنی تبشیر در بین مسیحیان مستقر در جهان اسلام، مانند ارمنی‌ها و... که شامل خدمت‌های تبشیری و به ویژه مبارزه با بدعت است.

ب. بیرون دینی: یعنی تبشیر در میان غیرمسیحیان، از جمله مسلمانان؛ چه در سرزمین‌های اسلامی باشند و چه در سرزمین‌های غیراسلامی. ما با شش الگوواره (پارادایم) در حوزه تبشیر مواجه هستیم که دو الگوواره آخر، به نوعی همپوشانی دارند:

۱. الگوواره تبشیر مسیحیت اولیه

مسیحیت اولیه، منظور همان فعالیتی است که رسولان یا حواریون بر عهده داشتند؛ بر اساس آن چیزی که ادعا می‌شود در مسیحیت که حضرت عیسی علیه السلام به آنها مأموریت داده است و این که می‌بینید مسیحیان، تبشیر را به عنوان یک وظیفه دینی می‌دانند، به استناد به همان سخنان حضرت عیسی علیه السلام است.

۲. الگوواره تبشیر کلیسای شرق

هانس کونگ، به جای کلیسای شرق، تعبیر «یونان و رم» را استفاده می‌کند. در اینجا، دیوید بوش، یک مقدار اسم را تغییر داده است؛ به خاطر این که از قرن چهارم، در مرکزیت قسطنطنیه، همان امپراتوری بیزانس، بحث مسیحیت دنبال می‌شود، تعبیر کلیسای شرق، ناظر به آنجاست.

۳. الگوواره تبشیر کاتولیک رومی در قرون وسطی

حقیقت این است که بیشترین توسعه و رشد مسیحیت، در دوره قرون وسطی اتفاق افتاده است؛ به این دلیل که مسیحیت در هزاره نخست، بیشتر در اروپای امروزی رشد می‌کند و در زمان «پاپ شارلمانی»، توسعه بیشتری نیز پیدا می‌کند.

۴. الگوواره نهضت اصلاح دینی

چنان که می‌دانید، در ابتدا، این کلیسای کاتولیک است که فعالیت تبشیری دارد و بعد از این که نهضت اصلاح دینی به تثبیت می‌رسد - یعنی از قرن هفدهم به بعد - مشاهده می‌کنیم که پروتستان‌ها هم اقدام به تبشیر می‌کنند. پس می‌شود گفت که در مرحله اول، کاتولیک‌ها پرچم دار تبشیر هستند و در مرحله بعد، نوبت



وقتی

روحیه

ضد استعماری و

ضد غربی در بین ملت‌ها و دولت‌ها

به وجود آمد، تبشیری‌ها را به فکر فرو برد

که چاره‌اندیشی کنند و استراتژی جدیدی را در

پیش بگیرند. این بازان‌دیشی و بازان‌خوانی،

منجر به شکل‌گیری جریانی شد که

می‌توانیم اسم آن را «ماه

غسل میسپولوژی»

بگذاریم



معرفی کتاب

درباره ایران، اسلام، ناسیونالیسم

بر زبان فارسی و نژاد آریایی و منحط دانستن زبان‌های دیگر قومی و محلی و نژادهای غیرفارسی، در صدد احیای آیین‌های ایرانی دوران باستان بودند؛ اما به علت آمیختگی عمیق فرهنگ‌های مختلف در دوران مختلف و تأثیرپذیری عمیق فرهنگ و آداب



تفکر جدید سیاسی در ایران است. این سنت فکری، پایه نگارش تاریخ ایران باستان در دوران پهلوی بوده است. باستان‌گرایی آریایی، به بخش مهمی از تاریخ تمدن در ایران، پشت پامی‌زند؛ زیرمفهوم «تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران» که از طرف رژیم پهلوی رواج یافت، مبنای قرار دادن

و سنن ایران از فرهنگ و اخلاق اسلامی، عملاً چنین تجزیه‌ای امکان‌پذیر نبود. اگر ما ایرانیان بخواهیم بر اساس نژاد، قضاوت کنیم و کسانی را ایرانی بنامیم که نژاد آریایی دارند، بیشتر ملت ایران را باید غیرایرانی بدانیم و در این صورت، بسیاری از مفاخر خود را از دست خواهیم داد و از این راه، بزرگ‌ترین ضربه به ملیت ایران وارد می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، به عنوان انقلابی ویژه در دهه‌های پایانی قرن بیستم، یعنی عصر پایان دین و ورود به هزاره سوم، به وقوع پیوست. این انقلاب، بر خلاف گفتمان جهانی مدرنیسم، برای خدا و بر محور معنویت و ارزش‌های دینی تحقق یافت و در واقع، آغازی بر پایان نگرش عصر پایان دین بود. از این رو، در سال‌های پایانی قرن بیستم، نه تنها دین پایان نیافت، بلکه تمام تحولات جهان، متأثر از اسلام، مسیحیت، یهودیت و دیگر اعتقادات دینی بود و بازگشت به معنویت و دین، در حال تحقق و شکل‌گیری است. معنویت سیاسی و احیای اسلام سیاسی، دو دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند که چالشی اساسی برای هژمونی و سیطره فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دنیای غرب محسوب می‌شوند.

فرهنگ، تمدن و ایدئولوژی آریایی بود و به همین علت، مبدا تاریخ در ایران، زمان بر تخت نشستن کوروش قرار داده شد و تاریخ ایران پیش از هخامنشی، به «ماقبل تاریخ» تبدیل شد؛ در حالی که حداقل چهار هزار سال پیش از هخامنشیان، تمدن‌های پیشرفته کوچ‌نشینی و کشاورزی در ایران

**اگرما
ایرانیان بخواهیم
بر اساس نژاد، قضاوت
کنیم و کسانی را ایرانی بنامیم که
نژاد آریایی دارند، بیشتر ملت ایران را باید
غیرایرانی بدانیم و در این صورت، بسیاری
از مفاخر خود را از دست خواهیم داد
و از این راه، بزرگ‌ترین ضربه
به ملیت ایران وارد
می‌شود.**

وجود داشته و این تقلیل‌گرایی، نه تنها توهین به تاریخ و فرهنگ ماست، بلکه خط بطلان بر چند هزار سال تاریخ تمدن ایران است. ناسیونالیسم افراطی در ایران، با تاکید

کتاب «ایران، اسلام، ناسیونالیسم»، به قلم جناب آقای دکتر محمدحسین فتاحیان، در چهار فصل سامان یافته و ضمن ارائه تعریف ناسیونالیسم و بیان خاستگاه، مبانی و شاخصه‌های آن، واژه «ملت» را از دیدگاه دین مبین اسلام، مورد توجه قرار داده، سپس گرایش‌های گوناگون ملی‌گرایی در فضای عمومی ایران اسلامی را مورد بحث و ارزیابی قرار داده است.

نویسنده کتاب، بیان می‌کند که مبانی و اهدافی که در دین مقدس اسلام، در قالب وحدت و هم‌گرایی انسانی - اسلامی مطرح است، با برخی مبانی گونه‌های ناسیونالیسم، همچون ضدیت با استعمار، جهت‌گیری‌های مصلحانه سیاسی، تاکید بر استقلال و آزادی و احترام انسان، تا حدودی سازگار و شبیه است؛ اما مبانی اسلام درباره جوامع انسانی، با مبانی ناسیونالیسم افراطی، امپریالیستی، لیبرال و... هیچ شباهت و هماهنگی و همخوانی ندارد و از نظر اسلام، این مبانی و تفکرات، محکوم و مردود می‌باشند.

نژادپرستی و همگرایی ناسیونالیسمی در سطح ملی - نژادی، یکی از مبانی ناسیونالیسم است که با بسیاری از آموزه‌های اسلام، ارتباطی ندارد. اسلام با تاکید بر تقوا و احترام به نوع بشر و رد نژادپرستی، با طرح همگرایی انسانی، در صدد تشکیل امت واحده اسلامی در سراسر جهان است.

ناسیونالیسم، علاوه بر تضادی که با مبانی اسلامی دارد، با فرهنگ و هویت اصیل ایرانی قبل و بعد از اسلام نیز ناسازگاری جدی دارد؛ زیرا باستان‌گرایی در ایران، در مدت ظهور و بروز خود، رویکردی به شدت گزینشی و هدف‌دار داشته و رویکرد باستان‌گرایانه آن، یکی از تضادهای عجیب

دوش پاسخ‌گویی

به مخاطب احترام بگذاریم

اقتضائات پاسخ‌گویی به شبهات در رسانه‌ها

پاسخ‌گویی به شبهات، به ویژه در رسانه‌هایی که دارای مخاطب بالایی هستند، لوازم و اقتضائاتی دارد که به برخی از آنها اشاره خواهیم نمود.

۱. بیان نکات متعدد

طیف مخاطبان رسانه، متفاوت است؛ از آدم بی سواد تا استاد دانشگاه. باید به همه اینها توجه کرد و طوری پاسخ داد که همه اینها تحت پوشش قرار بگیرند؛ وگرنه کم کم مخاطب ریزش خواهد داشت. یکی از راه‌هایی که می‌شود این کار را کرد، این است که پاسخ‌دهنده، نکات متعددی ذکر کند. یعنی اول در همان واژه‌هایی که در خود شبهه است، متمرکز می‌شویم و آن پیش فرض‌ها را از بین می‌بریم؛ سپس با نکته نکته گفتن و از ابعاد مختلف نگاه کردن، پوشش پاسخ را وسیع‌تر می‌کنیم.

۲. کلامی پاسخ بدهید

هر جا شبهه باشد، آن شبهه، ماهیت کلامی و اعتقادی؛ دارد ولو ممکن است شبهه مربوط به فقه باشد؛ اما با روش فقه، نمی‌شود به آن پاسخ گفت. یک وقت می‌گوید: خمس به چه چیزهایی تعلق می‌گیرد؟ این سؤال، فقهی است؛ شما هم در جواب می‌گویید به این چیزها تعلق می‌گیرد؛ اما یک وقت می‌گوید: چرا به درآمد کسب، خمس تعلق می‌گیرد؛ در حالی که در قرآن، تنها یک آیه راجع به خمس داریم که در آن هم می‌گوید خمس به غنیمت جنگی تعلق می‌گیرد؟ اینجا دیگر شبهه، کلامی می‌شود و نمی‌شود با روش فقهی جواب داد و حتماً باید با روش کلامی پاسخ داد.

۳. بیان حدیث، مخاطب را آرام می‌کند

در علم کلام، خبر واحد ارزش و حجیت ندارد. ما در علم کلام، یا نصّ قرآن را می‌خواهیم، یا خبر متواتر؛ آن هم که نص باشد یا برهان عقلی، مورد قبول است؛ اما اثری که یک حدیث امام صادق علیه السلام مخصوصاً در مخاطب عامه دارد، از ده برهان محکم علمی بیشتر است؛ لذا ما تا جایی که بتوانیم، باید روایت بخوانیم؛ ولو خبر ضعیف‌السنند باشد. فقط نباید خلاف

عقل باشد و قابل دفاع باشد. همین که می‌گویید امام صادق علیه السلام فرمود، یک آرامشی بر مخاطب حاکم می‌شود. به ویژه در رسانه‌ای مثل رادیو معارف یا شبکه‌هایی که مخاطب آنها، مردم عامه و متدین هستند، از حدیث و آیات استفاده می‌کنیم و این خیلی اثر دارد.

۴. هرچه کوتاه‌تر، بهتر

وقتی شما می‌خواهید به شبهه پاسخ بگویید، هرچه کوتاه‌تر پاسخ بدهید، بهتر است.

۵. پاسخ نقضی بدهید

گاهی شما باید اول پاسخ نقضی را قرار بدهید؛ زیرا با پاسخ نقضی، طرف آرام می‌شود و می‌گوید: عجب! پس ما اشتباه می‌کردیم و پاسخ موجود هست. مثلاً شما در پاسخ این اشکال که «چرا اسم امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن نیامده است؟» می‌گویید مگر اسم بقیه آمده است؟ این جواب، او را آرام می‌کند؛ بعد پاسخ حلی را به هر مقداری که لازم است به او می‌گوییم. البته پاسخ نقضی، پاسخ علمی کاملی نیست.

۶. به مخاطب، احترام بگذارید

احترام به مخاطب، بسیار مؤثر است. اگر شما با ادبیات نامناسب با

در پاسخ‌گویی، احترام به مخاطب، بسیار مؤثر است. اگر شما با ادبیات نامناسب با مخاطب برخورد کنید، هم برنامه و هم خود شما، افت پیدا می‌کنید. ما در فضای علمی، باید ادب را مراعات کنیم. احترام به مخاطب و حساب باز کردن برای او، مهم است. زیرا اگر یک روحانی، ادب را مراعات نکند، مردم را از دین و روحانیت بیزار می‌کند

مخاطب برخورد کنید، هم برنامه و هم خود شما، افت پیدا می‌کنید. ما در فضای علمی، باید ادب را مراعات کنیم. احترام به مخاطب و حساب باز کردن برای او، مهم است. زیرا اگر یک روحانی، ادب را مراعات نکند، مردم را از دین و روحانیت بیزار می‌کند.

۷. مستند پاسخ بدهید

وقتی شما سند حرف خودتان را می‌گویید، ولو اینکه یک روایت باشد. طرف آرام می‌شود. حالا این سند، ممکن است اسناد مکتوب یا غیرمکتوب باشد. البته از نظر ما، این روایت، برهان نیست؛ اما مؤثر است.

۸. مخاطب خود را بشناسید

ما باید به مخاطبین خود، توجه داشته باشیم؛ یعنی یک وقت مخاطب ما عام است و یک وقت، مخاطب خاص.

۹. فقط برای خدا

ارتباط با مبدا عالم و برای خدا سخن گفتن، از دو جهت، بسیار مهم است؛ اول اینکه انسان وقتی برای خدا حرف می‌زند، اثر آن حرف، در دل‌های نشیند و دوم اینکه زبان خود انسان هم باز می‌شود؛ ولو اینکه انسان آرام ذکر بگوید. البته این ارتباط، فقط خاص در برنامه نیست؛ بلکه از قبل هم باید انسان اهل ذکر باشد؛ یعنی نمی‌شود که انسان نماز شب نخواند، با قرآن و کلام اهل بیت - که نور است - ارتباط نداشته باشد، آن وقت انتظار داشته باشد که توفیق داشته باشد.

۱۰. عصبانی نشوید

آرام و معمولی صحبت کردن، آرام‌بخش است. اگر من خودم اضطراب داشته باشم، آن را به مخاطب منتقل می‌کنم.

□ رضا محمدی شاهرودی



رفع شبهه

حجاب اجباری، مانند بی‌حجابی اجباری!

حجاب کامل اسلامی برای مسلمانان فرانسه، هشدار داده، این اقدام را غیرقانونی دانسته است. او می‌گوید: ممنوعیت مطلق استفاده از پوشیه برای زنان مسلمان فرانسه، هیچ گونه مبنای قضایی و قانونی ندارد؛ اما بر اساس اندیشه اسلامی، حجاب، از احکام ضروری و لازم الاجراست و عدم رعایت پوشش زنان، یکی از گناہانی است که بُعدی اجتماعی دارد و حکومت اسلامی، در صورت قدرت و امکان اجرا، باید از تحقق معاصی، جلوگیری کند؛ کما اینکه معصومان، گاهی با عدم پرداخت زکات، کم‌فروشی و نگاه به نامحرم، برخورد می‌کردند.

۲. اهل حق، اهل باطل را ناحق و بر خطا می‌دانند و اهل باطل نیز، خود را مُحق و اهل حق را ناحق می‌دانند؛ اما بین این دو باور، تفاوت از زمین تا آسمان است. پیروان حق، نباید از اینکه اهل باطل، آنان را قبول ندارند، بیمناک باشند و از حق خود صرف نظر کنند. حق بودن یا نبودن در مسائل گوناگون، معیارهای منطقی و علمی خاص خود را دارد که باید به کار گرفته شوند.

۳. بی‌حجابی، چه اجباری باشد و چه غیراجباری، برای جسم و روح انسان، آسیب‌هایی دارد؛ مانند تحریک شهوت‌ها، خودارضایی، ایجاد عقده در صورت عدم ارضای شهوت، افزایش تجاوز، کاهش آمار ازدواج و بالارفتن آمار روابط آزاد و طلاق؛ اما رعایت حجاب و پوشش بیشتر، آرامش و امنیت جسمی و روحی را به دنبال می‌آورد.

شبهه: کسانی که طرفدار حجاب اجباری زنان در جامعه هستند و حتی پوشش غیرمسلمانان را نیز در جامعه اسلامی لازم می‌دانند، نباید به حکومت‌هایی مثل حکومت فرانسه و ترکیه که مانع حضور زنان محجبه در مدارس و مراکز دولتی می‌شوند، ایراد بگیرند؛ زیرا همان‌گونه که شما عدم پوشش را غیرقانونی می‌دانید، آنها هم پوشش زنان را غیرقانونی می‌دانند. اگر خوب است، هر دو کار خوب است و اگر بد است، رفتار هر دو حکومت بد است.

پاسخ:

۱. عدم پوشش زن، هم گناه است و هم زمینه ارتکاب گناه برای ناظران را فراهم می‌کند. بر اساس تفکر لیبرالیستی - که زیربنای قوانین دنیای غرب و امثال کشور فرانسه است - آزادی هر چه بیشتر فردی، مورد تأکید قرار دارد. کسانی که معتقد به این طرز تفکر هستند و به آن افتخار می‌کنند، بر اساس عقیده خودشان، نباید از آزادی پوشش مردان و زنان جامعه، جلوگیری کنند. اندیشه لیبرالیسم، پوشش سر یا بدن یک زن در جامعه را مضر به حال آن فرد یا سایر مردم جامعه

نمی‌داند و بی‌حجابی، از واجبات سایر ادیان و مکاتب نیست؛ پس بین عملکرد ما و آنها، تفاوت اساسی وجود دارد.

برخورد کشورهای اروپایی، مثل فرانسه، در اجبار مسلمانان به برداشتن حجاب، مخالف صریح ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که می‌گوید هر انسانی، از حق آزادی فکر، وجدان و دین، برخوردار است. این حق، شامل آزادی تغییر مذهب یا عقیده و اظهار عقیده و ایمان، تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی به نحو فردی یا جمعی، خصوصی یا عمومی خواهد بود.

ژان مارک سو، رئیس شورای دولتی فرانسه، نسبت به اجرای قانون ممنوعیت رعایت



تبدیل تهدید به فرصت

روش‌شناسی مرحوم آیت‌الله مصباح‌یزدی در پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی

مداوم شبانه‌روزی در سرما و گرمای طاقت‌فرسا، توانست تواتر این حدیث را در فکر شیعی و سنی نشان دهد.

مرحوم آقابزرگ تهرانی نیز در مقام پاسخ به این شبهه که «اندیشمندان شیعی، آثار مهمی ندارند و اهل علم نبودند»، به تدوین دو دایرةالمعارف با نام‌های «الذریعه الی تصانیف الشیعه» و «طبقات المعارف با نام‌های «الذریعه الی تصانیف اندیشمندان شیعه و تعداد چند برابری آثارشان را در برابر آثار علمی دیگران، نشان می‌داد. به راستی، تبدیل تهدید به فرصت، همواره در میان اندیشمندان شیعه، مورد اهتمام جدی بوده است. شبهات در عقلا نیت شیعی، رنگ می‌بازند و تهدیدشان به فرصتی برای تبیین دقیق معارف اسلامی تبدیل می‌شوند. این نکته، بیانگر آن است که عقل - که حجتی الهی است - همواره آماده پذیرش شبهات و پاسخ‌گویی منطقی و روشمند به شبهات است.

برخی روشنفکران، پیامبر را مرشدی معنوی معرفی می‌کردند و مدعی بودند که پیامبر اسلام، با علمی مانند اقتصاد، سیاست، مدیریت و سایر علوم انسانی و تجربی، سر و کار نداشته، هدف پیامبر، پرداختن به این امور نبوده است. این دیدگاه، در فهم قرآن کریم، توسط این طیف از روشنفکران نیز تأثیرگذار بوده است. مرحوم مهندس بازرگان، در آثار خویش، از جمله در کتاب «خدا و آخرت، هدف رسالت انبیا»، پرداختن پیامبران به اموری مانند اقتصاد و سیاست

را از اهداف بعثت ایشان ندانسته است؛ بلکه باور دارد که شان قرآن، ساختن بُعد معنوی آدمی است؛ نه بیان نظام‌های اجتماعی. بر اساس این دیدگاه، اشاراتی هم که در قرآن به مسائل دنیایی و اجتماعی شده، اموری مقطعی بوده است.

این دیدگاه، به صورت روشمند و با طی مراحل که در این پژوهش بیان شد، توسط آیت‌الله مصباح، نقد و بررسی شده و تا آنجا که به مرحله تبدیل تهدید به فرصت مربوط است، می‌توان این نکته را نیز افزود که یکی از اقدامات ارزشمند آیت‌الله مصباح، تعریف طرح گسترده تصنیف موضوعی تفسیر المیزان است که حدود دو دهه، ده‌ها متخصص در رشته‌های مختلف علمی، برای اجرای آن کوشش کرده‌اند. تدوین تفسیرهای تخصصی در حوزه‌های مختلف، علمی از قبیل اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست، روانشناسی، مدیریت و... از برکات شیوه تبدیل تهدید به فرصت است که در پی شبهات پیش گفته، به کار گرفته شده است.

□ احمد حسین شریفی

پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی و دفاع از کیان فکری اسلام، همواره کانون توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. مرحوم آیت‌الله مصباح، یکی از فیلسوفان و متکلمان برجسته دوران معاصر جهان اسلام بود که روشی بدیع و کارآمد در مواجهه با شبهات دینی و اعتقادی داشت. در این مقاله، با روشی توصیفی - تحلیلی، به بررسی روش‌شناسی آیت‌الله مصباح در پاسخ به شبهات اعتقادی می‌پردازیم.

مراحل پاسخ به شبهات

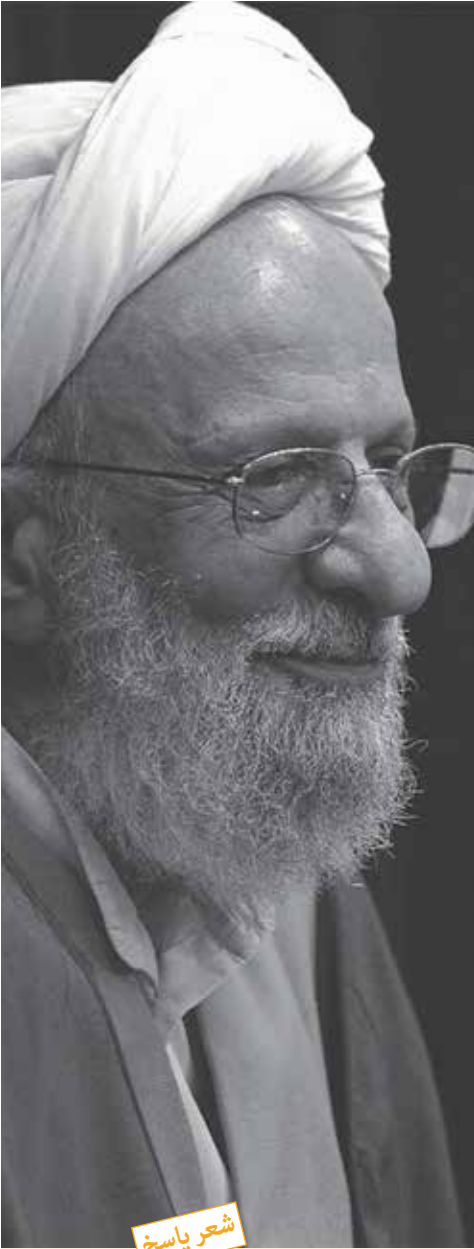
نگاه کلان به روش مواجهه آیت‌الله مصباح با شبهات دینی و اعتقادی، بیانگر این است که ایشان در رویارویی با این گونه شبهات، مراحل زیر را مورد نظر داشته است:

۱. فهم شبهه با قطع نظر از حب و بغض
۲. تقریر و تحلیل دقیق شبهه
۳. تبارشناسی شبهات
۴. توجه به منشأ و علل پیدایش شبهه
۵. توجه به پیامدهای شبهه
۶. نقد ادله و مدعا

تبدیل تهدید به فرصت

یکی از شیوه‌های آموزنده آیت‌الله مصباح در پاسخ به شبهات و از جمله شبهات اعتقادی، آن است که ایشان مانند بسیاری از اندیشمندان تاریخ فکر شیعی، شبهه را ابزار و پلی برای تبیین دقیق‌تر، عمیق‌تر و گسترده‌تر معارف اسلامی قرار داده بود و استراتژی تبدیل تهدید به فرصت در مقام علم و شبهات، به طور دقیق، توسط ایشان عملیاتی شده بود.

تهدید شبهه را می‌توان به تهدید حوادث طبیعی از قبیل سیل و زلزله تشبیه کرد. هرچند حوادث طبیعی، ممکن است به برخی آسیب وارد کند، اما نکته مهم شیوه رویارویی با آنهاست که می‌توان با آنها به صورت متفعلانه یا فعال رویارو شد. رویارویی فعالانه، بدین معناست که این تهدید، به فرصتی برای ریشه‌کنی آن و تحکیم بنیان‌های اعتقادی تبدیل شود. یکی از نمونه‌های تاریخی چنین رویکردی را باید در رویارویی فعالانه علامه امینی با شبهه سندی حدیث غدیر ملاحظه کرد. مدت‌ها هیچ اندیشمند معتبر و مهمی در میان اهل سنت، سند حدیث غدیر را مخدوش و یا دارای شبهه ندانسته، این حدیث به صورت عادی، در میان شیعیان نقل می‌شد. با مطرح شدن شبهه عدم اعتبار سند این حدیث، علامه امینی، با صرف عمر خویش، به تولید اثر بی نظیر «الغدیر» پرداخت و با مطالعه آثار گوناگون در شهرها و کتابخانه‌های مختلف و کار



شعر پاسخ

علامه بود، یک تنه عزم مصاف کرد

برای آیت‌الله مصباح یزدی، مرد میدان مبارزه با شبهات

جهل آخرش مقابل ایمان غلاف کرد
علامه بود یک تنه عزم مصاف کرد
در راه حق، مناظره‌هایش شنیدنی ست
وقتی سپاه شبهه و کفر ائتلاف کرد
توفان فتنه تا به بصیرت رسید، رفت
تنها به دور کشتی و اهلبش طواف کرد
دشمن فقط به طعنه و تهمت زبان گشود
یعنی به ناتوانی خود، اعتراف کرد
مصباح، شمع نیست که نورش موقت است
یک قرن را از این همه حیرت، معاف کرد

□ زهرا سپهکار

مرحوم آیت الله مصباح یزدی: کسانی که در مقام ارشاد مردم بر می آیند، باید هم برای اثبات حرف حق، دلیل داشته باشند و هم برای ابطال شبهه مخالف، دلیل بیاورند. تنها مطلب اثباتی، افراد راییمه نمی کند؛ بلکه برای سالم ماندن افکار، باید هم فکر صحیح عرضه شود و هم فکر غلط و باطل، ابطال گردد.



ویکی پاسخ

الگویی برای زن و زندگی

حضرت مریم علیها السلام از چه جهاتی می تواند برای زنان و دختران، الگو قرار بگیرد؟

۲. صداقت

از ویژگی های بارز حضرت مریم، صداقت اوست. قرآن، حضرت مریم را صدیقه معرفی می کند: «وَأُمَّهُ صِدِّيقَةٌ»^۱ و مادرش زنی بسیار راست گو بود. «صدیقه، صیغه مبالغه و به معنای بسیار راست گوست و برخی آن را به معنای تصدیق کننده حق دانسته اند.»

۳. طهارت

مطهر بودن، از ویژگی های حضرت مریم است. خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۲ و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند، تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان، برتری داده است. مفسران، تطهیر در این آیه را به معنای عصمت گرفته اند. حضرت مریم، در اثر حفظ عفت و پاک-دامنی و ارتباط با روح غیبی، به مقام «مصدقین» و «قانتین» رسیده بود.

۴. عبادت

خداوند در قرآن، به حضرت مریم، دستور به عبادت می دهد: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»^۳ ای مریم! فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و بارکوع کنندگان، رکوع نما» و او را از قانتین معرفی می کند: «وَمَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ... وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ»^۴ و مریم دختر عمران... از فرمانبرداران بود» که هم به معنای فرمان بردار است و هم به معنای اهل قنوت و طاعت. مفسران در شرح قانتین، گفته اند که مریم علیها السلام پیوسته در طاعت خدا بود. حضرت مریم، از نظر ایمان، در سرحد اعلی قرار داشت و به تمام کتب آسمانی و اوامر الهی، مؤمن بود و از نظر عمل، پیوسته مطیع اوامر الهی بود.

پی نوشت:

- ۱. آل عمران، آیه ۴۲-۴۵.
- ۲. انبیاء، آیه ۹۱.
- ۳. تحریر، آیه ۱۲.
- ۴. مریم، آیه ۲۰.
- ۵. آل عمران، آیه ۴۷.
- ۶. مائده، آیه ۷۵.
- ۷. آل عمران، آیه ۴۲.
- ۸. آل عمران، آیه ۴۳.
- ۹. تحریر، آیه ۱۲.

تنها زنی که نام او در قرآن برده شده، حضرت مریم علیها السلام است. در آیه ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم، حضرت مریم علیها السلام به عنوان الگو برای تمام مؤمنان معرفی شده است. در متون عرفانی، حضرت مریم، از جمله اولیاء الله و دارای مقام ولایت خاصه است. قرآن برای حضرت مریم، مقاماتی ارزشمند، چون اصطفا، طهارت و گفت وگو با فرشتگان بر می شمارد. در اصطلاح اسلامی، به کسانی همانند حضرت مریم که نبی و رسول نیستند، اما از سوی خداوند، با آنان سخن گفته می شود، محدث گفته می شود. قرآن، نام حضرت مریم را به عنوان یک پیغمبر نبرده است؛ اما معجزات و خوارق عادات و الهامات و القاناتی برای او نقل می کند.

۱. عفت و پاک دامنی

در چند جای قرآن، خداوند به عفت و پاک دامنی حضرت مریم تصریح دارد: «وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا»^۱ دامن خود را پاک داشت و از روح خود در او دمیدیم. «وَمَرْيَمُ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا»^۲ و مریم، دختر عمران، همان که خود را پاک دامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم.»

از حضرت مریم، در دو جا نقل شده است که دست بشری به من نرسیده است:

«قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا»^۳ گفت: چگونه مرا پسری باشد، با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده ام. «قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ»^۴ گفت: پروردگار! چگونه مرا فرزندی خواهد بود، با آنکه بشری به من دست نزده است.»

از دیدگاه عرفا، کرامات حضرت مریم، نتیجه دوری او از شهوت و غضب و غلبه او بر نفسانیت و نشانه صدق او بود.



شبهه
ماهنامه ویژه پوشش مطالعاتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره هفتم / دی ماه ۱۴۰۱

ویکی پاسخ
ماهنامه معارف و پاسخ به شبهات



شبهه
شبهه هفتاد و نهم

ماهنامه پوشش مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

- pasokh.org
- spasokh.com
- wikipasokh.com
- pasokh.tv
- shobhepajouhi.ir